

سوره «فاطر» (۳۵)

خطاب سوره و نظر گاه آن

پیام این سوره خطاب به کلیه انسان‌ها و نوع بشر است، نه منحصرأ مؤمنین. بنابراین کلیتی عام و ابدی دارد و قانونمندی‌های مشترک نوع انسان و سرنوشت او را در دو جهت متنافر بیان می‌کند. در این سوره به جای خطاب: «یا ایها الذین آمنوا»، سه بار خطاب «یا ایها الناس» تکرار شده است^۱ و در آغاز آن از گشایش درهای رحمت خدا برای «ناس»^۲ و در آخرین آیه آن از مؤاخذه «ناس» به خاطر مکتسباتش سخن می‌گوید.^۳

علاوه بر کلیت پیام‌های سوره برای نوع انسان، در مورد آفرینش نیز سوره فاطر در بجه‌هائی به تمامیت هستی از «آسمانها و زمین» می‌گشاید تا وحدت نظامی را که بر جهان حاکم است، و توحید ربوبیت را آشکار گرداند. در ابتدای سوره از آفرینش «آسمانها و زمین» نشانه می‌آورد^۴ و در متن آن از علم خدا بر پنهانی‌های آسمانها و زمین^۵ و بر نیروئی که آن دورا پا برجا نگهداشته از فرو ریختن نظامش مانع می‌گردد.^۶

وقتی هم می‌خواهد ناتوانی معبودهائی را که مشرکان به جز خدا می‌خوانند نشان دهد، باز هم از فقدان نقش و اثر آنها در آسمانها و زمین دلیل می‌آورد^۷ و عجزشان را در ناتوان ساختن خدا در آسمانها و زمین^۸ (چیره شدن بر نظام جهان شمول او) به رخ می‌کشد.

۱. آیه (۳) یا ایها الناس اذکرو انعمت الله... آیه (۵) یا ایها الناس ان وعد الله حق... آیه (۱۵) یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله...

۲. ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها... (آیه ۲).

۳. آیه (۴۵) ولو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابة...

۴. الحمد لله الذی فاطر السموات والارض...

۵. ان الله عالم غیب السموات والارض... (آیه ۳۸).

۶. ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما الا هو... (آیه ۴۱).

۷. ...رونی ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرک فی السموات... (آیه ۴۰).

۸. ...وما کان الله لیعجزه من شی فی السموات ولا فی الارض انه کان علیماً قدیراً.

پیام سوره

پیام سوره یادآوری «رحمت الهی»^۱ و نعمتی است^۲ که خداوند با خلقت بدیع آسمان‌ها و زمین و قرار دادن فرشتگان، به‌عنوان رسولان و وسائط رساندن رزق و رحمت، به بندگان ارزانی داشته و او را خلیفه در زمین قرار داده^۳ تا کسانی را که در طریق او گام برمی‌دارند و خود را هماهنگ قوانین حاکم بر هستی می‌سازند از فضل سرشار خویش بهره‌مند سازد و به بهشت‌های جاوید داخل نماید.^۴

اما انسان به‌جای استفاده از این امکانات و «شکر» نعمت «خلافت»، راه «کفر» و ناسپاسی در پیش می‌گیرد و به‌خود زیان می‌رساند. در آیه ذیل که گویای این حقیقت است، برای تاکید نقش مخرب کفر ۶ بار این واژه تکرار شده است که بی‌نظیر در قرآن به‌نظر می‌رسد:

هو الذی جعلکم خلائف فی الارض فمن کفر فعليه کفره ولا یزید الکافرون کفرهم
عند ربهم الا مقتاً ولا یزید الکافرین کفرهم الا خساراً.

همچنان که اگر محصل نخواهد خود را هماهنگ و موافق نظامات مدرسه، که به‌خاطر تعلیم و تربیت او وضع شده نموده و در برابر مدیر و معلم که هدف و برنامه‌ای جز خیر و مصلحت او ندارند، نافرمانی نماید و شکر امکانات مدرسه (معلم و کتاب و محیط و...) را به‌جای نیاورده با نادیده گرفتن بر آنها سرپوش گذارد (همان معنای کفر)، خود محروم از ترقی و پیشرفت و نیل به کلاس بالاتر می‌گردد. انسان نیز در کلاس هستی و در ابتلای الهی با کفران نعمت، خود محروم از فیض الهی و رشد و کمال می‌گردد.

پیام آور

حال که چنین است، ضرورت ایجاب می‌کند دائماً هشدارهایی به‌انسان غافل و مشغول به‌دنیا داده شود تا با کفران نعمت و شرک در عبادت گرفتار عواقب انحراف خود نگردد و به‌همین دلیل مسئله ارسال رسل و «انذار» مردم مطرح می‌گردد. جالب این که در این سوره بیش از بقیه سوره‌های قرآن کلمه «نذیر» بکار رفته است و این امر نشان می‌دهد موضوع هشدار دادن و آگاه ساختن غافلان از خطر قریب الوقوع (معنای لغوی انذار) موضوعی محوری و اساسی در سوره می‌باشد. ذیلاً به ۷ موردی که این کلمه در این سوره نسبتاً کوتاه

۱. ما یفتح الله للناس من رحمة...

۲. یا ایها الناس اذکروا نعمت الله علیکم...

۳. آیه ۳ (۴) - آیه ۱۲ (۵) - آیه ۷ (۶) - آیه ۲۹ (۷) - آیه ۳۲.

۴. مضمون آیات ۳۳ تا ۳۵ و ۲۹ و ۳۰.

به کار رفته اشاره می‌کنیم:

- آیه ۱۸- انما تنذرالذین یخشون ربهم بالغیب و...
 آیه ۲۳- ان انت الا نذیر.
 آیه ۲۴- انا ارسلناک بالحق بشیراً و نذیراً و ان من امة الا خلافیها نذیر.
 آیه ۳۷- ..اولم نعمرکم ما یتذکر فیہ من تذکر و جاء کم النذیر...
 آیه ۴۲- و اقساموا بالله جهد ایمانهم لئن جاء ہم نذیر لیکونن اهدی من احدی الامم
 فلما جاء ہم نذیر ما زادهم الا نفوراً.

موضع گیری‌ها در برابر پیام

در برابر پیام مندرین، طیفی از تصدیق تا تکذیب وجود دارد که مردم را به دو دسته مجزا تقسیم می‌نماید:

عده‌ای متذکر نعمات الهی شده^۱ راه «شکر» در پیش می‌گیرند^۲ و به ایمان و عمل صالح آراسته گشته^۳ با تلاوت کتاب خدا و اقامه صلوة و انفاق از روزی‌ها به تجارتی دست می‌زنند که هرگز زیان ندارد.^۴ در بین این گروه طیفی از میانه‌رو (و منهم مقتصد) تا پیشتاز در نیکی‌ها (و منهم سابق بالخیرات باذن الله)^۵ وجود دارد که این البته برتری کبیری است (ذلک هو الفضل الکبیر).^۶

دسته دوم کسانی هستند که یکسره پیام را «تکذیب» می‌نمایند و از همان آغاز در برابر رسول موضع می‌گیرند:

آیه (۴) و ان یکذبوک فقد کذبت رسل من قبلک والی الله ترجع الامور.

آیه (۲۵) و ان یکذبوک فقد کذب الذین من قبلهم جاء تهم رسلهم بالبینات و بالزبرو بالکتاب المنیر.

تکذیب کنندگان تعلق به مقطع خاصی از تاریخ ندارند. آنها همواره تمامی رسولان را که برای آنها معجزه (بینات)، موعظه (زبر) و کتاب منیر می‌آوردند تکذیب می‌کردند. خصلت‌های این گروه را در سوره فاطر به شرح ذیل معرفی کرده است:

پیروی از شیطان و عضویت در حزب او،^۷ نیکو دیدن اعمال خود و رضایت از خویشتن،^۸ استکبار و مکر،^۹ کفر،^{۱۰} شرک و خواندن غیر خدا^{۱۱} و...
 خداوند برای دسته اول وعده: «لهم مغفرة و اجر کبیر»^{۱۲}، «جنات عدن یدخلونها...»^{۱۳}
 و «لیوفیهم اجرهم و یزیدهم من فضله»^{۱۴} داده است و برای دسته دوم وعده: عذاب شدید و

۱. آیه ۳ ۲. آیه ۱۲ ۳. آیه ۷ ۴. آیه ۲۹ ۵. آیه ۳۲ ۶. آیه ۳۲ ۷. آیه ۶ ۸. آیه ۶ ۹. آیه ۸
 ۱۰. آیه ۴۳ ۱۱. آیه ۳۹ و ۴۰ و ۱۳ و ۱۴ ۱۲. آیه ۷ ۱۳. آیه ۳۳ تا ۳۵ ۱۴. آیه ۱۴

تاکید بر عدم تساوی دو «راه»

همانطور که ملاحظه شد، تضاد دو راه کفر و شکر را به عناوین مختلف و عبارات گوناگون در آیات سوره بیان می‌نماید تا انسان‌ها را به تفاوت عظیم سرنوشتی که در انتظار صالحان و ظالمان است واقف سازد. مثال‌هایی که می‌زند عمدتاً از طبیعت محسوس و ملموس آدمیان است تا در آن تفکر کنند و بخود آیند.

آیه (۱۲) و ما یتسوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح اجاج...

آیات ۱۹ تا ۲۱ و ما یتسوی الاعمی والبصیر، ولا الظلمات ولا النور، ولا الظل ولا الحرور.

آیه (۲۲) و ما یتسوی الاحیاء ولا الاموات...

آزادی در انتخاب «راه»

با وجود عدم تساوی دو راه و تفاوت عظیمی که با یکدیگر دارند، هیچگونه اکراه و اجباری در انتخاب راه و مقصد وجود ندارد، اختیار گزینش با انسان است، خداوند در مدت حیات دنیا به او «اختیار» و «مهلت» داده تا خود سرنوشتش را آگاهانه رقم زند. پس اگر کسی دعوت شیطان را پذیرفته به حزب او داخل شد و اعمال کفرآمیز خود را هم نیکو دید، این امر نباید موجب اندوه و حسرت جانکاه پیامبر (ص) شود که انسانی به‌راهی شوم گام نهاده، چرا که هدایت و گمراهی به‌مشیت خدا است و قانونمندی‌های اختیاری خاص خود را دارد:

..فان الله یضل من یشاء و یهدی من یشاء فلا تذهب نفسک علیهم حسرات ان الله علیم

بما یصنعون (آیه ۸).

«انذار» پیامبر تنها برای کسی مؤثر واقع می‌شود که از پروردگار خویش به‌نهان خشیت داشته باشد (بیم و اضطراب از عواقب سوء عمل خود) و نماز را برپا دارد (اهل ارتباط با خدا باشد). یعنی خودآگاهانه و عاشقانه به‌طرف هدایت آمده باشد.

..انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب واقاموا الصلوة و من تزکی فانما یتزکی لنفسه

والی الله المصیر. (آیه ۲۸)

آیا پیامبر می‌تواند کسی را که قلبش مرده و کوچکترین تمایلی به‌حق نداشته باشد

هدایت کرده و حرف حق را به گوشش بشنواند؟... بلکه شنوائی حق نیز جز به مشیت الهی، که با تمایل قلبی و اختیار آگاهانه انسان قرین است، تحقق نمی یابد:

و ما یستوی الاحیاء ولا الاموات ان الله یسمع من یشاء و ما انت بمسمع من فی القبور
 بنا بر این وظیفه پیامبر جز «انذار» نیست: ان انت الا نذیر (آیه ۲۳)، همچنانکه برای
 امت های پیشین نیز منذرینی بوده اند، البته مقدم بر انذار، بشارت دهنده مؤمنین نیز می باشد:
 انا ارسلناک بالحق بشیراً و نذیراً و ان من امة الا خلا فیها نذیر (آیه ۲۴).

آخرین آیه سوره نیز که جمع بندی جامعی از مهم ترین پیام های آن به شمار می رود
 متضمن اختیار و آزادی انسان است، آری گرچه با عصیان و گناه خود در زمین ایجاد فساد
 می نماید و طبق قانون علت و معلولی و نظم و تعادل شگفتی که بر عالم حکمفرما است
 باید بازداشته شود، ولی به دلیل مهلت الهی و تأخیری که تا اجلی مشخص برای انسان مقرر
 گردیده، آزادی عمل می یابد و مورد «مؤاخذه» فوری الهی قرار نمی گیرد.^۱
 ولو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابة ولكن یؤخرهم الی اجل
 مسمى فاذا جاء اجلهم فان الله کان بعباده بصیراً.

تکیه بر دلایل طبیعی برای اثبات توحید.

وقتی برای هدایت مردم اجبار و اکراه مردود شناخته گردد، راهی جز تحریک افکار و
 عقول از طریق ارائه آیات و استدلال و برهان باقی نمی ماند. در اینجا فلسفه و کلام بافته
 نمی شود و از مجردات ذهنی مددی گرفته نمی شود. بلکه منحصرأ پای طبیعت محسوس و
 ملموس پیش کشیده می شود و به آیات تکوینی استشهاد می گردد.^۲ استناد به این آیات
 عمدتاً به خاطر نفی «شُرک» و اثبات «توحید» یعنی یگانگی نظام حاکم بر هستی است،
 همانطور که به کرات گفته شده، مشرکین به «الله» ایمان داشتند اما خدا را فقط خالق جهان
 می دانستند که تدبیر عالم را به فرشتگان، جن ها یا قدیسین از بشر واگذار کرده است
 بنا بر این دخالتی در عالم انسانها ندارد و تعهد و مسئولیتی از آنان نخواسته است، به این
 ترتیب از یک طرف امکان ارتباط با خدا (صلوة و دعا و...) را منکر می شدند و از طرف دیگر
 آخرت و جزا را تکذیب می کردند. علاوه بر آن، در فلسفه شرک «رحمانیت» و «ربوبیت»

۱. برای توضیحات بیشتر در این مورد می توانید به کتاب «آزادی در قرآن» فصل اختیار و آزادی مراجعه نمایید.
 ۲. توجه به نام سوره که «فاطر» (پدید آورنده از عدم) می باشد در مورد آسمانها و زمین مبین حقایق بسیاری است.
 این نام (فاطر) در سوره های دیگری نیز بکار رفته است از جمله: ۶/۱۴، ۱۰۱/۱۲، ۱۰/۱۴، ۴۶/۳۹ و ۴۲/۱۱.

منتفی می‌گردد و این معانی در قلمرو «شركاء» (همان فرشتگان یا بت‌ها) قرار می‌گیرد. سلسله استدلال‌هایی که در این سوره با اشاره به آیات تکوینی مطرح گردیده، عمدتاً در جهت اثبات «توحید» و لزوم «آخرت» می‌باشد. نشانه‌هایی که از طبیعت اطراف آورده می‌شود به مدد ملائکی که در ابتدای سوره به ابعاد وجودی آنها (تعداد بال‌ها) اشاره شد به عنوان رحمت، نعمت و رزقی برای انسان در اختیار او قرار داده می‌شود.

ذیلاً به مواردی از این آیات استناد می‌کنیم:

- ۱- ابر و باد برای احیاء زمین مرده (نتیجه‌گیری برای اثبات نشور).
آیه (۹) - الله الذی ارسل الریاح فتثیر سحاباً فسقناه الی بلد میت فاحیینا به الارض بعد موتها کذلک النشور.
- ۲- مراحل تطوری خلقت از خاک (نتیجه‌گیری برای اثبات علم خدا).
آیه (۱۱) - والله خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم جعلکم ازواجاً و ما تحمل من انثی ولا تضع الا بعلمه...
۳- نعمات موجود در دریاها، شور و شیرین^۱ (نتیجه‌گیری در جهت اثبات توحید در روزی‌رسانی و لزوم شکر انحصاری منعم).
آیه (۱۲) و ما یتوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح اجاج و من کل تأکلون لحماً طریاً و تستخرجون حلیة تلبسونها و تری الفلک مواخر فیه لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون.
- آیه فوق این مطلب را تبیین می‌نماید که تضاد موجود در طبیعت و اختلاف و دوگانگی خواص پدیده‌های آن، ناشی از دو اراده یا دو خالق معارض در جهان نمی‌باشد، لطف مطلب در همین است که وجدتی در نظام حاکم بر پدیده‌های به ظاهر متضاد حاکم است و در عین حال هر دو در خدمت انسان و نیازهای او قرار دارند، همچنانکه کشتی نیز به نیروی طوفان و باد مخالف به پیش می‌راند (دنباله آیه).
- ۴- ایجاد شب و روز و تغییر فصول با حرکت ماه و خورشید (نتیجه‌گیری در جهت وحدت نظام و مالکیت خدا بر جهان هستی).

۱. علاوه بر آیه ۱۲ سوره فاطر، در آیه ۵۳ سوره فرقان (۲۵)، آیه ۶۱ سوره نمل (۲۷) و آیه ۱۹ سوره رحمن (۵۵) به جریان دو دریا اشاره شده است: فرقان ۲۵/۵۳ (وهو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح اجاج و جعل بینهما برزخاً و حجراً محجوراً)، نمل ۲۷/۶۱ (امن جعل الارض قراراً و جعل خلالها انهاراً و جعل لهار و اسی و جعل بین البحرین حاجزاً الله مع الله بل اکثرهم لا یعلمون)، رحمن ۵۵/۱۹ (مرج البحرین یتقیان بینهما برخ لایبغیان، فبای آلاء ربکما تکذبان).

آیه (۱۳) یولج الیل فی النهار ویولج النهار فی اللیل و سخر الشمس والقمر کل یجری لاجل مسمى ذلکم الله ربکم له الملک...

۵- نزول آب موجب پیدایش انواع ثمرات گیاهی و انواع معادن رسوبی و انواع موجودات زنده اعم از انسان و جنبندگان و چارپایان، به رنگهای مختلف می گردد (اثبات وحدت در کثرت)، منحصرأ بندگانی که علم به این پدیده‌ها و تنوع بشمار آنها داشته باشند احساس خشیت در برابر «الله» می کنند.

الم تر ان الله انزل من السماء ماء فاخرجنا به ثمرات مختلفاً ألوانها و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألوانها و غرابیب سود. و من الناس والدواب والانعام مختلف ألوانه كذلك انما یخشی الله من عباده العلموا ان الله عزیز غفور.

در دو آیه فوق با ۳ بار تکرار جمله «مختلفاً ألوانها» کثرت مخلوقات خدا را به نمایش می گذارد و «وحدت در کثرت» را ثابت می نماید.

شرک، خواندن غیر خدا

علیرغم بینات فوق، بسیاری از انسان‌ها از خدای یکتا روی برمی تابند و با شرک در عبادت، عوامل دیگری را مؤثر در حیات و روزی خود تصور می کنند، عامل اصلی این انحراف که به ظلم به نفس خود و دیگران منتهی می شود، تبعیت از شیطان و دنیاپرستی و غرور و احساس بی نیازی از خدا می باشد، ذیلاً برخی آیات ناظر به این معنا را نقل می نماید:

آیه (۳) ..هل من خالق غیر الله یرزقکم من السماء والارض لاله الا هو فانی تؤفکون.

آیه (۱۳) ..ذلکم الله ربکم له الملک والذین تدعون من دونه ما یملکون من قطمیر.

آیه (۱۴) ان تدعوهم لایسمعوا دعاءکم ولوسمعوا ما استجابوا لکم و یوم القیمه یکفرون بشرکم ولا ینبئکم مثل خبیر.

آیه (۴۰) قل ارایتم شرکاءکم الذین تدعون من دون الله ارونی ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرک فی السموات ام...

تمسک به کتاب، تنها راه نجات

خداوندی که انسان را از خاک و نطفه آفریده و بر کلیه مراحل خلقت او از انعقاد نطفه در رحم تا وضع حمل و لحظات عمر او پس از تولد علم و آگاهی کامل داشته و در کتاب علم خود نگهداشته (الا فی کتاب ان ذلک علی الله سیر) آیه ۱۱، برای هدایت آنها در

طریق عبودیت نیز رسولانی به همراه بینات و زبر و «کتاب» منیر فرستاده است. (آیه ۲۵) بنابراین تلاوت این «کتاب» (ان الذین یتلون کتاب الله... آیه ۲۹) که از طریق وحی به رسول الهام شده (والذی اوحینا الیک من الکتاب... آیه ۳۱) و پس از پیامبر (ص) به بندگان برگزیده (امت اسلام) به ارث رسیده (ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا... آیه ۳۲). تنها راه نجات از لغزشگاه شرک و عبادت غیر خدا می باشد. ان همان کتاب هدایتی است که از طرف خالق انسان ها، که به جزئیات خلقت او آگاهی کامل دارد، و می داند مخلوقش با چه دستور العمل و مقرراتی می تواند رشد کند از طریق وحی نازل شده است. آیا کسانی که به جز خدای یکتا شرکائی را می خوانند، کتاب و دستور العملی دریافت داشته اند که بر اساس آن بر راه روشنی گام بردارند؟

«...ام اتیناهم کتاباً فهم علی بینه منه...؟» (آیه ۴۰)

چنین نیست بلکه ظالمان یکدیگر را با کشاندن به سوی منافع خود فریب می دهند.

بل ان یعد الظالمون بعضهم بعضاً الا غروراً (آیه ۴۰).

فرازهایی از کتاب در «توحید»

اینک که «کتاب» تنها راهنمای انسان به سوی توحید است، فرازهایی از آن را که به عنوان علامات راه توحید در منازل مختلف سوره نصب شده، نظاره می کنیم:

۱- رحمت فقط از جانب خدا است.

آیه (۲) ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها و ما یمسک فلا مرسل له من بعده و هو العزیز الحکیم.

۲- خالق و رازقی جز خدا نیست.

آیه (۴) ...هل من خالق غیر الله یرزقکم من السماء والارض لاله الا هو فانی تؤفکون.

۳- عزت تنها از آن خدا است.

آیه (۱۰) من کان یرید العزة فله العزة جمیعاً الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه.

۴- ملک منحصرأز آن خدا است.

آیه (۱۳) ...ذلکم الله ربکم له الملک والذین تدعون من دونه لایملکون من قطمیر.

۵- تنها خدا بی نیاز و ستوده مطلق است و انسان سراسر نیاز است.

آیه (۱۵) یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله والله هو الغنی الحمید.

۶- هدایت منحصرأز آن خداست.

- آیه (۲۲) ان الله يسمع من يشاء و ما انت بمسمع من فى القبور.
- ۷- تنها خدا دانای پنهانی‌های آسمان و زمین و نهفته‌های سینه هاست.
- آیه (۳۸) ان الله عالم غيب السموات والارض انه علم بذات الصدور.
- ۸- نظام آسمان‌ها و زمین منحصرأ بدست خدا است:
- آیه (۴۱) ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا...
- ۹- سنت‌های خدا هرگز تبدیل و تحویلی نمی‌یابد:
- آیه (۴۲) فلن تجد لسنة الله تبديلاً و لن تجد لسنة الله تحويلاً.
- ۱۰- هیچ نیروئی نمی‌تواند خدا را در آسمانها و زمین به عجز آورد:
- آیه (۴۳) و ما كان الله ليعجزه من شى فى السموات و لا فى الارض.

.

و در مورد انسان:

- آیه (۳) يا ايها الناس اذكروا نعمت الله عليكم...
- آیه (۵) يا ايها الناس ان وعد الله حق فلا تغرنكم الحيوه الدنيا...
- آیه (۱۵) يا ايها الناس انتم الفقراء الى الله...
- و بالاخره:
- ولا تزر وازرة وزر اخرى... و من تزكى فانما يتزكى لنفسه والى الله المصير. (آیه ۱۸)

سال نزول

بسیاری از مفسرین این سوره را تماماً مکی دانسته‌اند اما جداول کتاب «سیر تحول قرآن» نشان می‌دهد بیشتر آیات این سوره در اولین سال هجرت (در مدینه) نازل شده است و بعضاً در دهمین سال هجرت. به این ترتیب:

۳ آیه ابتدای سوره و ۴ آیه ۹ تا ۱۳ در سال ۱۰ هجری (جمعاً ۷ آیه)، بقیه آیات در سال ۱ هجری.

نام‌های خدا

در این سوره ۳۶ بار نام جلاله «الله» و ۵ بار نام رب (بصورت مضاف) بکار رفته است. به غیر از این، اسماء و صفات دیگری بقرار ذیل در سوره وارد شده است:

غفور ۴ بار (بیش از بقیه)، علیم (۳ بار)، شکور و بصیر و قدیر و عزیز و خبیر (هر کدام ۲ بار)، فاطر و حکیم و خالق و غنی و حمید و حلیم (هر کدام یکبار)، جمعاً ۱۵ نام با

آهنگ خاتمه آیات

از ۴۵ آیه سوره فاطر بیش از نیمی از آن، یعنی ۲۹ آیه با حرف «ر» ختم می‌شود^۱ پس از آن حرف «أ» (۷ بار) «ن» (۳ بار)، «م» و «ز» و «ب» هر کدام یکبار.

«ر» - قدیر، امور، غرور، سمیر، کبیر، نشور، یبور، یسیر، قطمیر، خبیر، مصیر، بصیر، نور، حرور، قبور، نذیر، منیر، نکیر، غفور، تبور، شکور، حریر، کفور، نصیر، صدور، «أ» - خساراً، غروراً، غفوراً، نفوراً، تحویلاً، قدیراً، بصیراً.

«ن» - یوفکون، یصنعون، تشکرون.

«د» - حمید، جدید، سود.

«م» - حکیم، «ز» - عزیز، «ب» لغوب.

* * *

تقسیمات سوره

این سوره را به کمک سال نزول و سیاق مطالب آن می‌توان به ۵ بخش به ترتیب ذیل تقسیم نمود:

- ۱- آیات ۱ تا ۳ (مقدمه).
- ۲- آیات ۴ تا ۸ (تکذیب رسالت پیامبر).
- ۳- آیات ۹ تا ۱۴ (آیات تکوینی)
- ۴- آیات ۱۵ تا ۲۶ (انذار بر انحرافات)
- ۵- آیات ۲۷ تا ۴۵ (نشانه‌های توحید، عملکردها، سرنوشت و قانونمندی‌ها).

ارتباط سوره‌های یس و فاطر (۳۶ و ۳۵)

وجه مشترک میان این دو سوره را از رابطه‌ای که بین کلمات: رسالت، انذار، تکذیب، خشیت، وعده الهی در آیات آنها وجود دارد (و این کلمات در هر دو سوره نقش اصلی را

۱. سوره‌های دیگری نیز تماماً یا بعضاً با حرف «ر» ختم شده‌اند.

تماماً مثل: کوثر، عصر، قدر، قیامه، مدثر، قمر.

بعضاً مثل: ملک، لقمان، حج، ابراهیم، رعد، مجادله، تغابن، زمر، شوری، هود و...

ایفاء می کنند) باید پیدا کرد. این رابطه چنین است: خداوند عزیز و رحیم برای هدایت انسان‌ها «رسولانی» را به سوی آنها گسیل می دارد تا نسبت به عواقب سوء اعمال «انذار» شان دهند. اما اکثر انسان‌ها (به جز کسانی که «خشیت» دارند^۱) پیام هشدار رسولان را «تکذیب» می نمایند. نتیجه چنین تکذیبی «تحقق وعده الهی» یعنی جهنم «کافران» و بهشت «مؤمنین» را موجب می گردد. سوره یس با سوگند به قرآن حکیم بر «رسالت» پیامبر تاکید می نماید (یس والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین) و نقش او را «انذار» مردمی معرفی می نماید که پدرانشان انذار نشده بنابراین غافل و بی خبر مانده اند (لتنذر قوماً ما انذر آباءهم فهم غافلون) اما آنها ایمان نیاورده رسالت او را تکذیب مینمایند (فهم لایؤمنون، فهم مقمحوں، فهم لایبصرون) بنابراین اینها را پیامبر چه «انذار» بدهد یا ندهد ایمان نمی آورند، بلکه منحصرأ کسانی ایمان می آورند که خودشان پیرو و داوطلب بیدازی (ذکر) باشند و از خدای «رحمن» در پنهان بیم داشته باشند، که البته آنها را به آموزش و اجر کریم خدا باید بشارت داد (سواء علیهم انذرتهم ام لم تنذرهم لایؤمنون انما تنذر من اتبع الذکر و خشى الرحمن بالغیب فبشره بمغفرة و اجر کریم). خداوند نیز وعده داده مرده‌ها را زنده می کند و براساس آنچه در زمان حیات پیش فرستاده و آثار بعدی اعمالشان، که تماماً ثبت و ضبط شده، سرنوشت ابدی شان را رقم می زند.

(انا نحن نحیی الموتی و نکتب ما قدموا و آثارهم و کل شی فی امام مبین).

آیات فوق مقدمه سوره یس را (تا آیه ۱۲) تشکیل می دهد، آنگاه برای آنکه پیامبر اسلام بدانند تکذیب اختصاص به او نداشته همه رسولان تکذیب می شدند، قضیه ارسال سه رسول را که (توسط حضرت عیسی برای هدایت مردم انطاکیه فرستاده شدند) و مورد تکذیب قرار گرفتند نقل می نماید. محصول کار تبلیغی این سه رسول تنها «ایمان» یک نفر بود که او را نیز در همان مکان شهید ساختند. به این ترتیب این پیام داده می شود که پیامبر در ابلاغ رسالت خود چشم به نتیجه فوری محسوس نباید داشته باشد و با صبر و تلاش «انذار» خود را باید ادامه دهد.

به آیات ذیل توجه نمائید و کاربرد دقیق کلمات: رسالت، انذار، تکذیب، خشیت (حالت نفسانی کسی که با شتاب خود را از دورترین نقطه شهر به رسولان رساند) و وعده الهی را مشاهده نمائید.

واضرب لهم مثلاً اصحاب القریه اذ جاءها المرسلون، اذ ارسلنا الیهم اثنین فکذبوهما

۱. آیه ۱۸ سوره فاطر و آیه ۱۱ سوره یس. (و در آیه ۷۱ به جای خشیت کلمه حی بکار رفته است).

فعرزنا بثالث فقالوا انا اليكم لمرسلون- قالوا ما انتم الا بشر مثلنا و ما انزل الرحمن من شئ ان انتم الا تكذبون يقالوا ربنا يعلم انا اليكم لمرسلون... و جاء من اقصى المدينة رجل يسعى قال يا قوم اتبعوا المرسلين... ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم خامدون - يا حسرة على العباد ما ياتيهم من رسول الا كانوا به يستهزون.

در سوره فاطر اولاً موضوع «رسالت» را تعميم و گسترش داده نشان می دهد رحمت الهی، چه به صورت تشریحی (وحی و نبوت) و چه به صورت تکوینی (نزول باران و غیره) همواره «ارسال» شدنی است. این مطلب را در همان مقدمه سوره نشان می دهد:

الحمد لله الذي فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولى اجنحه مثنى و ثلث... ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها و ما يمسك فلا مرسل له من بعده و هو العزيز الحكيم. يا ايها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو فاني توفكون.

آنگاه پس از آن که وحی و رسالت را همچون باران رحمت، رزق معنوی بشر که از آسمان می بارد، بیان نمود و «رسالت» را در ابعاد وسیع خود شرح داد،^۱ بلافاصله در آیه بعدی به کلمه سوم یعنی تکذیب می پردازد:

وان يكذبوك فقد كذبت رسل من قبلك والى الله ترجع الامور.

و متعاقب آن در آیه بعدی «وعده الهی» را مطرح می سازد.

يا ايها الناس ان وعد الله حق فلا تغرنكم الحيوۃ الدنيا ولا يغرنكم بالله الغرور.

سرانجام دو سرنوشت متفاوت انسانها را نشان می دهد:

الذين كفروا لهم عذاب شديد والذين آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفرة و اجر كبير.

اما موضوع انذار که بصورت «مقدر» در آیات فوق مطرح بوده، ولی کلمه آن نیامده است

در سایر بخشهای هر دو سوره به وفور تکرار می گردد:

فاطر (۲۳) ان انت الا نذير.

» (۲۴) انا ارسلناك بالحق بشيراً و نذيراً و ان من امة الا خلافها نذير.

» (۲۵) و ان يكذبوك فقد كذب الذين من قبلهم جاتتهم رسلهم.

» (۲۶) بالبينات وبالزبر و بالكتاب المنير. ثم اخذت الذين كفروا كيف كان نكير.

» (۱۸) فلا تز وازرة و زراخرى... انما تنذر الذين يخشون ربهم بالغيب...

» (۳۷) ..اولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر و جاءكم النذير فدوقوا فما للظالمين من

۱. در آیه (۹) توضیح می دهد که «باد» نیز ارسال شدنی است (والله الذي ارسل الرياح فتنير سحاباً فسقناه الى بلد ميت فاحيينا به الارض بعد موتها كذلك النشور)

نصیر.

» (۴۲) و اقساموا بالله جهد ایمانهم لئن جاؤهم نذیر لیکونن اهدی من احدی الامم
فلما جاءهم نذیر ما زادهم الا نفوراً.

سوره یس:

آیه (۶) لتنذر قوماً ما انذر اباؤهم فهم غافلون.

آیه (۱۰) سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لایؤمنون.

آیه (۱) انما تنذر من اتبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشره بمغفرة و اجر کریم.

آیه (۷۰) و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له ان هو الا ذکر و قرآن مبین.

آیه (۷۱) لینذر من کان حیا و یحق القول علی الکافرین.

همانطور که در آیات فوق مشاهده می گردد، کلمه «نذیر» ۶ بار در سوره فاطر و مشتقات آن، ۵ بار در سوره یس به کار رفته است که هماهنگی کامل این دو سوره را در این مسئله نشان می دهد. در ضمن در هیچیک از سوره های قرآن کلمه نذیر مانند سوره فاطر به کار نرفته است. (۶ بار از ۳۱ بار در کل قرآن).

اما در مورد اتصال این دو سوره با یکدیگر، طبق معمول به آیات انتهائی سوره فاطر و آیات ابتدای سوره یس باید دقت کنیم: سوره فاطر با این سخن ختم می شود که آیا این مستکبرین نیرنگ بازی که «انذار» پیامبر را تکذیب کرده اند، در زمین سیر نمی کنند (تاریخ را نمی خوانند) تا ببینند سرانجام کسانی که از آنها بسیار قدرتمندتر بودند به کجا کشید؟ آنها نتوانستند خدا را در زمین و آسمان از اجرای مشیت اش عاجز کنند. اگر خدا می خواست احدی از جنبندها را، به دلیل گناه، روی زمین باقی نمی گذاشت. بنابراین اگر مهلت و مدتی داده روی حکمت است و هنگامی که سرآمد این مهلت فرا رسد، او به بندگان خود بینا بوده می داند هر کسی چه کارنامه ای دارد و بر آن اساس سرنوشتش را تعیین می کند. این مطلب را مقایسه کنید با آیات اول تا دوازده سوره یس، می بینید عیناً همین سخن تکرار می گردد. مردمی انذار داده می شوند ولی ایمان نمی آورند و آثار شرک همچون زنجیر بردگی بر گردن آنها و سدی پشت و روی شان مانع از حرکت است و نمی توانند انذار را دریابند و خدا نیز اعمالشان را می نویسد.

ووجه مشترک دیگری این دو سوره دارند که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- حقانیت «وعدده الهی»

فاطر (۵) یا ایها الناس ان وعد الله حق فلا تغرنکم الحیوه الدنیا...
 یس (۶۳) هذه جهنم التي كنتم توعدون.
 یس (۴۸) و يقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين - ما ينظرون الا صیحة...
 یس (۵۲) قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون.
 وعدہ الهی همانطور که از آیات فوق استفاده می شود، رجوع به سوی خدا، جهنم، آغاز
 بعثت و خروج از قبور و احضار در پیشگاه عدل الهی است.

۲- عداوت شیطان با انسان

فاطر (۶) ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدواً انما یدعوا حزبه لیکونوا من الخاسرین.
 یس (۶۰) الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین - و ان
 اعبدونی هذا صراط مستقیم - ولقد اضل منکم جبلاً کثیراً افلا تعقلون.

۳- تمثیل بعث با احیاء زمین مرده

فاطر (۹) والله الذی ارسل الریاح فتثیر سحاباً فسقناه الی بلد میت فاحیننا به الارض بعد
 موتها كذلك النشور.
 یس (۳۳) و آیه لهم الارض المیتة احینناها و اخرجنا منها حباً فممنه یاکلون... تا آیه
 (۴۸) و يقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين.

۴- آفرینش انسان از خاک و نطفه و علم خدا بر مراحل حیاتی او

فاطر (۱۱) والله خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم جعلکم ازواجاً و ما تحمل من انثی ولا
 تضع الا بعلمه و ما یعمر من معمر ولا ینقص من عمره الا فی کتاب ان ذلک
 علی الله یسیر.
 یس (۷۷) اولم یرالانسان انا خلقناه من نطفة فاذا هو خصیم مبین... قل یحییها الذی
 انشاها اول مرة و هو بكل خلق علیم.

۵- گردش شب و روز و حرکت منظم ماه و خورشید در مدار معین

فاطر (۱۳) یولج اللیل فی النهار و یولج النهار فی اللیل و سخر الشمس والقمر کل یجرى
 لاجل مسمى ذلکم الله ربکم له الملك...
 یس (۳۷ تا ۴۰) و آیه لهم اللیل نسلخ منها النهار فاذا هم مظلمون - والشمس تجرى

لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم - والقمر قدرناه منازل حتى عاد
كالعرجون القديم لا الشمس ينبغي لها ان تدرك القمر ولا الليل سابق النهار و
كل في فلک يسبحون.

در سوره فاطر گردش شبانه روزی را که از حرکت وضعی و انتقالی زمین به دور
خورشید ناشی می شود و همچنین مسخر و مفید حیات برای انسانها گشتن خورشید و ماه
را تا «زمان» مشخص نشانه ربوبیت و مالکیت خدا می شمرد و در آیه سوره یس همین
گردش شبانه روزی و همچنین جریان یافتن و حرکت خورشید و ماه را در مدارای حساب
شده و دقیق نشانه تقدیر (اندازه گذاری) خداوند صاحب عزت و علم (عزیز العليم) می داند،
در اولی زمان پدیده مورد نظر است، در دومی مکان و مدار آن. همه اینها توحید و ربوبیت را
نشان می دهد.

۶- الهه پرستی به جای توحید (شفاعت فرشتگان)

فاطر (۱۳) ..والذین تدعون من دونه ما يملكون من قطمير.

فاطر (۴۰) قل ارايتم شركاءكم الذین تدعون من دون الله ارونى ماذا خلقوا من الارض ام
لهم شرك فى السموات ام اتيناهم كتاباً فهم على بينة منه بل ان يعد الظالمون
بعضهم بعضاً الا غروراً.

یس (۲۳) ءاتخذ من دونه الهة ان يردن الرحمن بضر لا تغن عني شفاعتهم شيعاً ولا
ينقذون.

همانطور که قبلاً ذکر گردید، مشرکین تدبیر عالم انسانی را واگذار شده به فرشتگان
می دانستند و بت ها را سمبل الله روی زمین می شمردند. به این ترتیب به جای خواندن خدا و
دعا کردن به سوی او، با بت ها راز و نیاز کرده حوائج خود را از آنها طلب می کردند و
شفاعت آنها را نزد خدا (برای نیازهای دنیائی نه اخروی) درخواست می نمودند.

۷- کاسته شدن از عمر و ضعف پیری

و ما يعمر من معمر ولا ينقص من عمره الا فى كتاب ان ذلك على الله يسير.

یس (۶۸) و من نعمه ننكسه فى الخلق افلا يعقلون.

۸- آثار پربرکت باران

فاطر (۲۷) الم تر ان الله انزل من السماء ماء فاخرجنابه ثمرات مختلفاً الوانها و من الجبال
جدد بيض...

یس (۳۳ تا ۳۵) و آیه لهم الارض الميته احييناها و اخرجنا منها حباً فممنه يأكلون. وجعلنا فيها جنات من نخيل و فجرنا فيها من العيون. لياكلوا من ثمره و ما عملته ايديهم افلا يشكرون سبحان الذي خلق الأزواج كلها مما تنبت الارض و من انفسهم و مما لا يعلمون.

۹- بهشت و جهنم

فاطر آیات ۳۲ تا ۳۷

یس آیات ۴۹ تا ۶۵

۱۰- شکر مواهب طبیعی

فاطر (۱۲) و ما یتسوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح اجاج و من کل تأکلون لحماً طریاً و تستخرجون منه حلیة تلبسونها و تری الفلک فيه مواخر لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون.

یس (۳۵) و جعلنا فيها جنات من نخيل و اعناب و فجرنا فيها من العيون - لياكلوا من ثمره و ما عملته ايديهم افلا يشکرون.

در آیه اول از دو جریان آب شیرین رودخانه‌ها و آب شور دریاها که از هر دو ماهی تازه گرفته می‌شود، مروارید و صدف و مرجان صید می‌گردد و کشتیرانی می‌شود به عنوان نعمتی برای شکرگزاری یاد می‌شود و در آیه دوم از آبی که از آسمان نازل می‌شود و زمین را زنده کرده انواع حبوبات و میوه‌های درختی و بوته‌ای به ثمر می‌رساند و بشر نیز آنها را به صورت‌های متنوعی به عمل می‌آورد (شکر، شیر، و غیره).

۱۱- انفاق

فاطر (۲۹) ان الذين يتلون كتاب الله و اقاموا الصلوة و انفقوا مما رزقناهم سراً و علانیه يرجون تجارةً لن تبور.

یس (۴۷) و اذا قيل لهم انفقوا مما رزقکم الله قال الذين کفروا للذين آمنوا انطعم من لویشاء الله اطعمه ان انتم الا فی ضلال مبين.

۱۲- تذکر

فاطر (۳۷) .. اولم نعمرکم ما یتذکر فيه من تذکر و جاءکم النذیر فذوقوا فما للظالمین من نصیر.

یس (۱۱) انما تنذر من اتبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشره بمغفرة و اجر کریم.

« (۱۹) قالوا طائرکم معکم ائن ذکرتم بل انتم قوم مسرفون.

« (۶۹) و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له ان هو الا ذکر و قرآن مبين.